فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۲-۲۸۳
New Period, No 26, 2020, P 1-12
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸)
ISSN (2476-7018)

رابطه توسعه مشارکت‌های مردمی، فرهنگ

کاظم رحیمی[۱]. مهران حمیرانی[۲]
۱. کارشناس ارشد مدیریت اجرایی (گرایش استراتژیک)
معاون سیاسی امنیتی اجتماعی فرمانداری شهرستان پارسیان. ایران
۲. کارشناس حسابداری بازرگانی. کارشناس فرمانداری شهرستان پارسیان. ایران

چکیده

توسعه، جریانی چند بعدی است که در خود تجدیدسازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی، اجتماعی و ... را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود مسائل معیشت، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، فرهنگی، اداری و همچنین استارها و وجهه نقل‌های عمومی مردم است، توسعه در بسیاری از موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در برمی‌گیرد. مشارکت را می‌توان حرکت آگاهانه، فعال، آزاد و مسئولیت‌آوری دانست که برای تمشیت امور جامعه ضروری است.

مشارکت را (جوامعی که در فراگرد تصمیم‌گیری، جمعی کوشش می‌نمایند تا اهداف، ارزش ها، پیامدها، منافع، مضرات و اطلاعات و آگاهی‌های لازم برای تصمیم‌گیری در اختیار مردم قرار دشته باشد، از ماندگاری و بقاء بیشتری برخوردار خواهد بود چون که پاسخ به سؤالات در شرایط حساس به آسانی و قاطع‌تر ومنسجم‌تر اتخاذ خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: توسعه، مشارکت، مشارکت مردمی، تصمیم‌گیری

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

مقدمه

تاریخ حیات انسان تاریخ همکاری و ستیز است. زمانی که نخستین بار انسان دریافت که می‌تواند با تجمیع توان خود با دیگری بر آن دیگری فائق آید مشارکت‌زاده شد. دموکراسی آتن تبلور خواست شهروندان در تعین سرنوشت خود بود. نابرابری ذات آن بود، همچنان که همکاری و مشارکت در قدرت توسط هم پایگان، از سیاست آتنی متولد شد. از انباشت تجربه‌ی تاریخی بشر مشارکت در مفهوم امروزی خود متبلور شد. امروزه مشارکت در بستر جامعه‌ای دموکراتین و مدنی ورتی نهادمند به خود می گیرد. در جامعه مدنی تشکل‌های مستقل از دولت در شرایط برابر و برخوردار از اطلاعات و امکانات مساوی زمینه مشارکت افراد در امور مربوط به خودشان را فراهم می‌سازند. تعریف فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت participation را به عنوان «عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن» دانسته است) موسسه تحقیقاتی ملل متحد برای توسعه اجتماعی مشارکت را «کوشش‌های سازمان یافته برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم‌دهنده در شرایط اجتماعی معین از سوی برخی از گروه‌ها و جنبش‌هایی که تاکنون از حیطه اعمال چنین کنترلی محروم و مستثنی بوده‌اند» تعریف می کند. جوامع برای تطبیق با نوسان در منابع حیاتی آمادگی باید داشته باشد و علاوه بر پیش‌بینی منابع حیاتی جایگزین آمادگی سازگاری با منابع جدید را به صورت الگوهای شناختی و رفتاری (فرهنگ) در جامعه خود فراهم آورد.

تعریف توسعه

"توسعه" در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌ترشدن، قدرتمندترشدن و حتی بزرگ‌ترشدن است (فرهنگ لغات آکسفورد، ۲۰۰۱). ادبیات توسعه در جهان از بعد جنگ جهانی دوم مطرح و مورد تکامل قرار گرفت. طبق تعریف، توسعه کوششی است برای ایجاد تعادلی تحقق‌نیافته یا راه‌حلی است در جهت رفع فشارها و مشکلاتی که پیوسته بین بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی وجود دارد. به عنوان مثال حتی در کشورهای پیشرفته نیز، پیشرفت فکری و اخلاقی انسان با پیشرفت‌های فنی (فناورانه) همسانی ندارد و یا اینکه فرهنگ عامه با تکنیک‌های وسایل ارتباط جمعی هماهنگی ندارد. اما در تعریف توسعه نکاتی را باید مدنظر داشت که مهمترین آنها عبارتند از اینکه اولا توسعه را مقوله ارزشی تلقی کنیم، ثانیا آن را جریان چند بعدی و پیچیده بدانیم، ثالثا به ارتباط و نزدیکی آن با مفهوم بهبود توجه داشته باشیم. توسعه، جریانی چند بعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی، اجتماعی و ... را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود مسائل معیشت، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، فرهنگی، اداری و همچنین استارها و وجهه نقل‌های عمومی مردم است، توسعه در بسیاری از موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در برمی‌گیرد. مشارکت را می‌توان حرکت آگاهانه، فعال، آزاد و مسئولیت‌آوری دانست که برای تمشیت امور جامعه ضروری است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

تعریف فرهنگ

فرهنگ مجموعه ارزش‌های اجتماعی و اعتقادات و عناصر ساختار ذهنی تلقی می‌شود. (ادوارد تایلور ۱۹۰۲–۱۸۳۷) فرهنگ را، مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، مشارکت‌ها و هرچه که فرد به عنوان عضوی از جامعه از جامعه خویش فرامی‌گیرد تعریف می‌کند، فرهنگ به وسیله آموزش، به نسل بعدی منتقل می‌شود؛ هر فرد یا جامعه‌ای برای داشتن اقتدار بیشتر لازم است افکار عمومی جامعه و دیگر جوامع رادر مورد باورها و اعتقادات و ارزش‌های جامعه خویش اقناع نماید و در اقناع و پذیرش افکار عمومی موجب پدید آمدن اقتدار و پایداری و ماندگاری بیشتری برای آن جامعه می‌شود. (فرهنگ راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان در یک جامعه است.

تمامی فرهنگ‌ها، با حرکتی کند و تدریجی، تغییر می‌کنند. روانشناسی اجتماعی، تغییرات فرهنگی را بر گرفته از مشارکت‌های فردی یا افراد، رفتارهای جمعی و ویژگی‌های شخصی و انگیزه‌ها می‌داند. هنگام بررسی فرهنگ باید به دو نکته توجه داشت: نخست پهنه فرهنگی است و دیگری قدرت فرهنگ‌هاست. هر سیستم فرهنگی در یک زیستگاه طبیعی رشد می‌کند. از این رو بی‌تردید محیط بر فرهنگ تأثیر خواهد گذاشت. چنین تأثیرگذاری را پهنه فرهنگی می‌نامند. از سویی دیگر ما دو نوع فرهنگ داریم؛ یکی فرهنگ قدرتمند است که پایه‌های استواری دارد و در نتیجه باقی می‌ماند و دیگری فرهنگی است که سست و ناتوان است و از بین می‌رود. در این میان، آن فرهنگی می‌تواند باقی بماند که نیرومند باشد.

دلیل نابودی برخی فرهنگ‌ها را باید در توجیه نشدن عقلانی و کاربردی آن فرهنگ‌ها دانست؛ اما مسئله اینجاست که فرهنگ‌هایی نیز وجود دارند که با آنکه توجیه کاربردی دارند، اما در حال از بین رفتناند؛ چون ریشه‌های آنها بیرون کشیده نشده و نیرومندی آن بروز نیافته است.

تعریف مشارکت

مشارکت را (جوامعی که در فراگرد تصمیم‌گیری، جمعی کوشش می‌نمایند تا اهداف، ارزش‌ها، پیامدها، منافع، مضرات و اطلاعات و آگاهی‌های لازم برای تصمیم‌گیری در اختیار مردم قرار داشته باشد، از ماندگاری و بقاء بیشتری برخوردار خواهد بود چون که پاسخ به سؤالات در شرایط حساس به آسانی و قاطع‌تر ومنسجم‌تر اتخاذ خواهد شد. بنیادی‌ترین اندیشه زیرساخت توسعه مشارکت‌های مردمی پذیرش اصل برابری مردمان است. مردمان هرگاه در پیوند با یکدیگر از اهمیت و ارزش برابر برخوردار شوند آنگاه مشارکت میان آنان می‌تواند به "برخاستن و خیز برداشتن یاری دهد" و سود بهره‌مندی‌های بسیار برای همه فراهم آورد. از دیدگاه مشارکتی همه افراد در مورد اموری که مربوط به خودشان است؛ احساس مسئولیت می نمایند و حق دارند در مورد آنها فکر کنند و اندیشه خود را آزادانه بیان نمایند. در بنگاه‌های اقتصادی مشارکت به مفهوم کوشش دسته جمعی و همکاری تمام افراد) مدیران ؛کارکنان و مشتریان (برای دستیابی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

به اهداف و منافع مشترک است. در مدیریت مشارکتی فاصله بین کارکنان و مدیران کاهش می‌یابد؛ آنها در تصمیم‌گیری‌ها و روند برنامه‌ریزی دخالت داده می‌شوند و به همان نسبت از فواید و دستاوردهای ناشی از مشارکت برخوردار خواهند بود.

یکی از کامل‌ترین تعاریف مشارکت توسط آبهوف و کوهن (۶۲۹) بیان شده است اهمیت این تعریف بگونه‌ای است که از آن به عنوان یک تعریف استاندارد نام می‌برند و امروزه در غالب منابع به آن استناد می‌کنند. آبهوف و کوهن بیش از هر چیز به دخالت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری تاکید دارند و معتقدند «مشارکت یعنی شرکت افراد در تصمیم‌گیری، اجرا، ارزشیابی و تقسیم منافع حاصل از یک پروژه»، از دیدگاه واژه‌شناسی، مفهوم مشارکت با تعاون، همیاری و دیگر یاری متفاوت است. هر چند که در بعضی از متون این کلمات را به صورت معادل بکار می‌برند.

دستاوردها و پیامدهای مشارکت شامل:

برابری و تساوی حقوق، دستگیری و کمک، همبستگی ملی، مشروعیت و مقبولیت نهادی، برنامه ریزی، نظارت و آینده نگری، حاکمیت، رفع آسیب‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی، روشنگری، رشد وپیشرفت، ابتکار وسازندگی بوده‌اند.

کمیسیون اقتصادی آمرکای لاتین مشارکت را شرکت داوطلبانه مردم در یک یا چند برنامه عمومی که فرض می‌شود در توسعه ملی نقش دارد، تعریف می‌کند محمدعلی طوسی از قول کیت دیویس می‌نویسد: «مشارکت عبارتست از درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گوناگون، به گونه‌ای که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی دیگران را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند.» (طوسی، ۸۲۷)

تعریف توسعه مشارکتی

اما اهمیت مشارکت در سرنوشت جوامع و زندگی بشر به حدی است که تقریبا زندگی انسان‌ها بدون آن ممکن نیست، تا جایی که در ادیان الهی همواره بر آن تأکید شده است. بسیاری از فلاسفه قدیم نیز از اهمیت مشارکت آگهی داشته‌اند، از جمله افلاطون منشأ مشارکت‌ها را دفع هر نوع تعلق‌ها و مالکیت و رسیدن به هدف‌های مشترک در جامعه‌ای مبتنی بر حکومت اندیشه‌گران و یا فیلسوفان می‌داند، اسپینوزا معتقد است که هرگاه انسان، انسان دیگری را در حین انجام کاری یا ابراز عاطفه‌ای مشاهده کند بی‌اختیار خواهان تقلید از آن کار یا ابراز آن عاطفه می‌شود (پاپلی‌یزدی، ۹:۸۳۹). مشارکت فرآیند درگیر شدن کلیه گروه‌های مردم در همه مراحل و ابعاد توسعه و در این بحبوبه ظهور توانائی‌ها، قابلیت‌ها و در نتیجه رشد تعالی مادی و معنوی آنهاست. فلسفه مشارکتی مبتنی بر شأن و منزلت انسان و کرامت آن است، مشارکت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

در امور آموزشی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم را با امکانات و مخصوصا با محدودیت های موجود در نظام پیرامون آنها آشنا می‌سازد و مردم در طی مشارکت فرا می‌گیرند که نه به صورت افرادی مجزا، بلکه در گروه‌های اجتماعی با هدف مشترک فعالیت می‌کنند (اسماعیل‌زاده ۱۸۲:۱۳۸۸).

توسعه از مقوله مفاهیمی است که به تعاریف اسمی یا مصداقی نیاز دارند. در این نوع اصطلاحات، بنیان تعریف مبتنی بر معرفه‌ها یا مشخصه‌هایی است که به مفهوم و عناصر متشکله آن نسبت داده می‌شود. بر این اساس برای تعریف توسعه باید دید که این اصطلاح به چه معرفه‌ها و مشخصه‌هایی دلالت می‌کند و طبیعی است که این معرفه‌ها و مشخصه‌ها بر حسب اینکه از چه منظری، مثلا اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، به توسعه نگریسته شود متفاوت خواهند بود. در سطح عمومی و مشترک اغلب مشخصه‌هایی که ذیل مفهوم توسعه می‌توان برشمرد با آنچه ذیل سه مفهوم پیشرفت، تکامل و نوسازی بحث شده، کم و بیش یکسان است. هر چهار واژه‌ی یاد شده که دو تای آن یعنی پیشرفت و تکامل قدیمی‌تر و دو تای دیگر یعنی توسعه و نوسازی جدیدترند، فرایندی را توصیف می‌کنند که بر گذار از مراحل فرودین به مراحل فرازین دلالت دارد. (زاهدی، ۱۲:۱۳۸۶)

مشارکت توسعه‌ای: این نوع مشارکت فرآیندی است اجتماعی، یکپارچه، جامع، پویا، همبسته، چند بعدی و چند فرهنگی. به عبارتی دیگر مشارکت توسعه‌ای می‌خواهد که همگان در همه‌ی مراحل توسعه درگیر شوند. پاپلی یزدی (۱۱۹:۱۳۸۶) مشارکتی که مدنظر است همین مشارکت توسعه‌ای است چرا که تمامی سطوح جامعه، نیازهای آن و ابعاد زندگی فرد و گروه را در برمی‌گیرد. مشارکت در آن از پایین به بالاست نه از بالا به پایین و به صورت درونی است نه بیرونی، همین مشارکت است که بسترهای لازم را برای رسیدن به مفهوم توسعه مشارکتی و همچنین جامعه فراهم می‌کند، لذا جهت رسیدن به چنین توسعه‌ای باید اندیشه دموکراتیک را در جامعه نهادینه کرد و این کار تنها از طریق ایجاد نهادهای مدنی و غیردولتی، تقویت حوزه‌ی عمومی، شکل‌گیری اصناف و دیگر تشکل‌های گروهی در جامعه امکان‌پذیر است.

غفلت از توسعه مشارکت چه بسا تهدیدی همچون خود بیگانگی سیاسی ـ اجتماعی در جامعه ایجاد شود، اگر بخش‌های بزرگی از جوامع در مقایسه با دیگر اعضاء همان جامعه دچار محرومیت در مشارکت شوند، فراگرد قشربندی و نابرابری اجتمااعی شکل می‌گیرند. و محروم شدن از امتیازهای توسعه‌ای و اجتماعی در یک دوره طولانی نوعی عدم مشارکت اجتماعی و از خود بیگانگی را موجب می‌شود که می‌تواند به انسجام جامعه اثر گذارد.

تعریف توسعه فرهنگی

توسعه فرهنگی یعنی اینکه هر یک از انسان ها منافع جداگانه خود را دنبال نکنند که باعث هرج ومرج در جامعه و حاکمیت شود، چرا که هر جامعه‌ای با اعتقاد به مجموعه ارزش‌ها و باورها، دارای نظام و الگوی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

سازماندهی شده میباشد که معقولانه مبتنی بر منفعت جمعی می‌تواند پاسخگوی نیاز همگان باشد. توسعه و پیشرفت زندگی فرهنگی یک جامعه با هدف تحقق ارزش‌های فرهنگی، به صورتی که با وضعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد. تعابیر مختلفی در باب توسعه فرهنگی وجود دارد اما میتوان تعریف «ژیرار آگوستین» را یکی از تعاریف قابل توجه این مفهوم برشمرد:

«ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آنان، افزایش علم و دانش انسان‌ها، آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه نظیر قانون‌پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی، افزایش توانایی‌های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه.» در مجموع با توجه به تعابیری که ذکر شد، توسعه فرهنگی را می‌توان فرآیند ارتقاء شئون گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف مطلوب دانست که زمینه ساز رشد و تعالی انسان‌ها خواهد شد. توسعه و توسعه فرهنگی دو مفهوم بسیار مهم می‌باشند که در برنامه‌ریزی‌های ملی در چند دهه اخیر از جایگاه ویژه‌ای برخودار شده‌اند. مفهوم توسعه‌یافتگی یعنی فراهم آوردن شرایط و امکاناتی برای آحاد جامعه که شاخص‌های رشد فرهنگی محقق شود.

توسعه فرهنگی یعنی ارتقا و اعتلای زندگی در جامعه و دستیابی به ارزش‌های متعالی فرهنگ. توسعه فرهنگی به عنوان یک فرایند همیشگی است و همواره در طول زمان جوامع دستخوش توسعه آن بوده‌اند و نمی‌توان جامعه‌ای را یافت که از این موضوع فارغ باشد.

افزایش باورها و اعتقادات دینی مشترک در یک جامعه و در بین جوامع دنیا موجب توازن اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی شده و بالعکس آن، کاهش باورها و اعتقادات دینی سیر نزولی همیشگی انسان را طی می کند و افراد وجوامع را در خطر کشمکش و نزاع بیشتر قرار می‌گیرند، که به وضوح نقش توسعه فرهنگی خود را نمایان می کند.

نتیجه‌گیری

با توجه به تحقیقات و مطالعات انجام گرفته در این مقاله، رابطه توسعه، مشارکت و فرهنگ حلقه‌ای است که باعث اقتدار بیش از پیش حاکمیت می‌شود.

شهروندان جامعه ی ما باید در پی مشارکت هر چه بیشتر در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خواهان استفاده از فرصت‌های بیشتر در نظام ملی کشور باشند. جامعه‌ی ما در طول چندین دهه‌ی اخیر حوادث گوناگونی را پشت سر گذاشته، حوادث جنگ، ناامنی سیاسی، رویارویی نظامی و غیره. بت‌های فکری بیکن، بازگوی این می‌باشد که امر انتخابات در جامعه‌ی ما در طول چندین دهه‌ی اخیر بر اساس پیش‌داوری برخی گروه‌ها و افراد، به ویژه بت‌های طایفه، بازار و نمایش صورت گرفته، بدون پالایش ذهن خود از این بت‌ها، پاسخ مشارکت مردم را از قبل پیش‌بینی نموده و در بیشتر اوقات هم نظریاتشان نتیجه‌ی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

معکوس داده است. در حالی که مشارکت پدیده‌ای تصور ناپذیر و یا بیگانه با تاریخ و فرهنگ ما نیست، چه در ادیان ایرانیان، چه در آداب و رسوم ایرانی و چه در تاریخ معاصر، ایرانیان نشان داده‌اند که در شرایط و زمینه‌های مناسب به یک دیگر اعتماد، به خود و دیگران امید دارند و به این منظور فعالانه حاضر به مشارکت در امور جامعه‌اند. این امر در دوره‌ی مشروطه، ملی شدن نفت و در طول انقلاب سال ۱۳۵۷ مشاهده شد (میرسپاسی، ۳۱:۱۳۸۸)

از آنجا که علت اصلی مشارکت اندک مردم در توسعه و اداره امور جامعه قبل از هرچیز، مسئله‌ای فرهنگی است، قبل از هر اقدام ضروری است فرهنگ مشارکت ترویج شود. بداین منظور مسلما توجه به مجموعه باورها و اعتقادات و اقناع افکار عمومی به آن اهمیت می‌یابد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

فهرست منابع و مآخذ

۱- ارمکی، تقی آزاد، (۸۳۹)، جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات علم، چاپ اول.

۲- زاهدی، محمدجواد، (۸۳۹)، توسعه و نابرابری، انتشارات مازیار، چاپ سوم.

۳- طوسی، محمدعلی، (۸۲۷) مشارکت. انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۴- کاظمی، موسی. (۸۳۵) شناخت‌شناسی نهادهای مشارکتی حمایتی در ایران، انتشارات علم

۵- روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۸۵۱۷، تاریخ ۰۹۸۶۱/۵/۰۱

6) https://fa.wikipedia.org

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]